



Imam Sadiq^(pbuh) University



<https://qhs.isu.ac.ir>

Bi-quarterly Journal of Quran and Hadith Studies
Vol. 18, No. 2, (Serial. 36), Summer 2025

10.30497/qhs.2025.247242.4049

Research Paper

A Comparative Analysis of Commentators' Views on the Genealogy of the Virgin Mary in the Quran

Ashkan Javanmard –

Mohammad Taqi Diyari Bidgoli –

Received: 01/11/2024

Accepted: 22/02/2025

Abstract

The Virgin Mary is the only woman mentioned by name 34 times in *The Holy Qurān*, emphasizing her virtues. In some verses, she is called "*bint 'Imrān*" and "*ukht Hārūn*". This study examines why the *Qurān* highlights Mary's genealogy and analyzes interpretations of "*Āl 'Imrān*" and "*ukht Hārūn*" by Qurānic scholars. Using an analytical-comparative approach, it advocates a literary interpretation of Qurānic narratives. The findings show that *The Holy Qurān* attributes Mary's lineage to the esteemed family of Imran to counter accusations by biased Jewish groups and address inconsistencies in Gospel genealogies. By excluding "*Yūsuf Najjār*" from Jesus' lineage, the *Qurān* underscores the maternal line of "Jesus, son of Mary." The study suggests that "*Hārūn*" in "*ya ukht Hārūn*" refers to the prophet Aaron, with Mary's connection being genealogical and indirect. Mary is identified as the direct daughter of '*Imrān*', though '*Imrān*'s historical identity remains unclear due to limited Qurānic details. Additionally, the absence of "*Imrām*" the father of Moses and Aaron, in the *Qurān*, along with contextual evidence, supports the view that "*Āl 'Imrān*" refers to Mary's paternal family.

Keywords: lineage of Mary, *Āl 'Imrān*, '*Imrān*', *ukht Hārūn*.

© The Author(s) 2025.

- PhD student of Comparative Exegesis, Department of Quran and Hadith Sciences, Faculty of Theology, University of Qom, Qom, Iran. (ashkan_411411@yahoo.com)
- Professor, Department of Quran, and Hadith Sciences, Faculty of Theology, University of Qom, Qom, Iran. (Corresponding Author) (mt-diari@yahoo.com)





<https://qhs.isu.ac.ir>

دوفصلنامه علمی «مطالعات قرآن و حدیث»، سال ۱۸، شماره ۲، پیاپی ۳۶
بهار و تابستان ۱۴۰۴، صص ۲۶-۱

10.30497/qhs.2025.247242.4049

مقاله پژوهشی

تحلیل تطبیقی نظرات مفسران درباره تبارشناسی حضرت مریم(س) در قرآن کریم

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۰۴

مقاله برای اصلاح به مدت ۱۸ روز نزد نویسندگان بوده است.

اشکان جوانمرد^۱

محمدتقی دیاری بیدگلی^۲

چکیده

حضرت مریم(س) تنها زنی است که قرآن کریم ۳۴ بار از وی نام برده و به تجلیل از فضایل شخصی و خانوادگی او پرداخته است. در برخی از آیات قرآنی از مریم(س)، با تعبیر «بنت عمران» و «أخت هارون» یاد شده است. در همین راستا اهداف اصلی پژوهش، بررسی دلایل ورود قرآن کریم به تبارشناسی حضرت مریم(س) و تحلیل دیدگاه‌های مفسران صاحب‌نظر درباره عناوین «آل عمران» و «أخت هارون» است. این پژوهش با روش تحلیلی - تطبیقی انجام شده و بر ضرورت اتخاذ رویکرد ادبی در تفسیر داستان‌های قرآنی تأکید می‌کند. نتایج پژوهش پیش‌رو از این قرار است: قرآن کریم با رویکردی اصلاحی و حکیمانه، تبار مریم(س) را به یکی از خاندان‌های برگزیده و پیامبرپرور (یعنی خاندان عمران) منتسب می‌کند تا هم از مریم در برابر اتهامات شیعی یهودیان مغرض دفاع کند و هم به تناقضات موجود در نسب‌نامه‌های اناجیل پایان دهد. قرآن همچنین با حذف نام «یوسف نجار» از نسب عیسی(ع)، بر نسب مادری «عیسی بن مریم» تأکید می‌ورزد. از نظر نگارنده، مراد قرآن از «هارون» در تعبیر قرآنی «یا أخت هارون»، هارون نبی(ع) بوده و ارتباط مریم با وی به صورت سلالتی است. قرآن کریم همچنین مریم را دختر بلاواسطه «عمران» معرفی می‌کند. با این وجود هویت تاریخی عمران به دلیل عدم تحلیل مستقل شخصیت وی در قرآن برای مخاطبان مشخص نیست. از دیگر سو با عنایت به عدم ذکر نام «عمران» پدر موسی و هارون در سرتاسر آیات قرآن و با در نظرگیری قرائن درون متنی، به نظر می‌رسد که مراد قرآن از «آل عمران» تنها خاندان پدری مریم(س) است.

واژگان کلیدی: حضرت مریم(س)، عمران، آل عمران، اخت هارون.

^۱ دانشجوی دکتری تفسیر تطبیقی، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات دانشگاه قم، قم، ایران. (ashkan_411411@yahoo.com)

^۲ استاد گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات دانشگاه قم، قم، ایران. (نویسنده مسئول) (mt-diari@yahoo.com)

این مقاله مستخرج از رساله دکتری است.

طرح مسئله

«تبارشناسی» یا «نسب‌شناسی» (به انگلیسی: Genealogy؛ در عربی: علم الانساب)، یکی از قدیمی‌ترین علوم دنیا به شمار می‌رود. موضوع این علم، مطالعه روابط خویشاوندی افراد بشر و توالی و تناوب نسلها است. تبارشناسی در هر زمانی اهمیت بسیار داشته است، زیرا روابط اجتماعی و سیاسی جوامع عموماً بر پایه روابط خویشاوندی استوار بوده است. در حوزه الهیات و مطالعات دینی نیز، تبارشناسی اهمیت ویژه‌ای دارد و در کنار رسالت‌شناسی و شریعت‌شناسی، از ارکان اصلی دانش نبوت‌پژوهی به شمار می‌رود. در تبارشناسی پیامبران، داده‌های مربوط به نسب و نژاد، اسامی و القاب، فرزندان و نسل ایشان مورد بررسی قرار گرفته و به شبهات موجود در این زمینه پاسخ داده می‌شود (ساماران، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۳۵۱؛ راد، ۱۳۹۷، ص ۹).

قرآن کریم و کتاب مقدس در کنار سایر مباحث هدایتی‌شان، کم و بیش به موضوعات تبارشناسی پرداخته‌اند. البته رویکرد آنها نسبت به این موضوعات یکسان نبوده و تفاوت‌های چشمگیری با یکدیگر دارند. کتاب مقدس، به‌ویژه عهد عتیق، توجه ویژه‌ای به نسب‌نامه‌ها و روابط خانوادگی شخصیت‌های کلیدی دارد و مملو از شجره‌نامه‌هایی است که هدف آن‌ها تعیین مرزهای میان قبایل، اقوام و خانواده‌ها، حفظ مالکیت زمین و شناسایی وارثان حقیقی قبیله برگزیده است (ساماران، ۱۳۷۰، ج ۲، صص ۳۵۱-۳۵۶). قرآن کریم اما رویکرد گزینشی‌تری را در این باب اتخاذ نموده است. قرآن در معرفی شخصیت‌های اصلی داستانهایش، به‌ویژه پیامبران، غالباً به ذکر نام کوچک ایشان اکتفا نموده و اطلاعات بیشتری از نسب و تبار ایشان را به دست مخاطبان نمی‌دهد. در مورد منسوبان و اعضای خانواده ایشان نیز در صورت اشاره به ایشان در روایت قرآنی (بدون تصریح به نامشان)، تنها به ذکر ارتباط نسبی و یا سببی ایشان بسنده می‌شود؛ مانند عدم تصریح قرآن به نام همسر و فرزندان آدم و نوح، نام همسران ابراهیم (ع)، نام همسر و اهل بیت لوط، نام مادر و برادران یوسف، نام مادر و خواهر موسی، نام همسران عمران و زکریا و موارد فراوان دیگر از این دست.

برخی محققان بر این باورند که عدم تمرکز قرآن در بیان جزئیاتی؛ همچون تاریخ و مکان حوادث، نام و هویت شناسنامه‌ای شخصیت‌های فرعی داستانهایش، گواه روشنی بر کارکرد فراتاریخی این داستانها می‌باشد. از دید ایشان، سکوت قرآن در مورد جزئیات برخی شخصیت‌های مردانه، ناشی از عدم تمرکز بر ایشان به عنوان عناصر محوری روایت است؛ چرا که نام و خصوصیات این افراد غالباً فدای پرداختن به نفس رویدادها، محتوای گفتگوها و از همه مهمتر اهداف داستان می‌شود. در مورد شخصیت‌های زنانه اما این سکوت علل دیگری دارد و از حاکمیت شرایط اجتماعی و سنت‌های جامعه عصر نزول حکایت می‌کند. سنت‌هایی که بر دو اصل اساسی استوارند: تابعیت

زن از مرد و خودداری از آشکار نمودن نام زنان در جمع مردان. قرآن از شخصیت‌های زن متاهل با عنوان «زن فلانی» یاد می‌کند؛ مانند: زن نوح، زن لوط، زن ابراهیم. در مورد شخصیت‌های زن مجرد نیز، از واژه «زن» بدون اضافه به اسمی دیگر استفاده می‌کند؛ مثلاً از ملکه سبا با عنوان زنی که بر ایشان فرمانروایی می‌نمود (نمل: ۲۳) و از دختران شعیب با عبارت دو زن که گله را دور می‌کردند (قصص: ۲۳) یاد می‌کند (خلف‌الله، ۱۹۹۹م، ص ۲۹۶ و صص ۳۰۴-۳۰۵).

با این حال قرآن کریم در مورد یک بانوی کم‌نظیر و نمونه سنت‌شکنی کرده و از ایشان ۳۴ بار با نام خاص ایشان (مریم) یاد می‌کند. البته قرآن به همین اندازه هم اکتفا ننموده و به تجلیل از خانواده ممتاز و بیان داستانهای تولد آن بانوی بزرگوار و فرزندش مبادرت می‌ورزد. قرآن همچنین از مریم (س) با عناوین «بنت عمران» و «أخت هارون» یاد می‌کند که اتفاقاً همین مساله موجب سردرگمی و اختلاف نظر مفسران و طعن و تکذیب مخالفانش شده است؛ چرا که عناوین مذکور برای اهل‌کتاب، یادآور پدر و برادر «میردام» خواهر موسی و هارون است و مسیحیان چنین تعبیری را در مورد مریم در اناجیل و یا سنت‌های شفاهی‌شان نمی‌یابند. در همین راستا مسائل اصلی پژوهش پیش‌رو از این قرار است:

۱. چرا قرآن کریم به موضوع تبارشناسی حضرت مریم (س) پرداخته است؟
۲. تحلیل و ارزیابی دیدگاه‌های مفسران مطرح و صاحب‌نظر قرآن کریم درباره عناوین «آل عمران» و «أخت هارون» در گذر زمان، چه نتایجی را در پی دارد؟

پیشینه پژوهش

در خصوص موضوع پژوهش، کتاب یا مقاله مجزایی نگاشته نشده و یا لااقل به چشم نگارنده نخورده است و تنها در تفاسیر و تواریخ اسلامی به مقتضای مباحث، اشاراتی پراکنده به موضوع تبارشناسی خاندان عمران شده است. در عرصه پژوهشی نیز، تحقیقاتی در موضوعات نزدیک به پژوهش پیش‌رو صورت گرفته که در زیر به برخی از آنها اشاره می‌شود:

مقاله «مریم أم عیسی علیه السلام؛ أخوتها لهارون بنوتها لعمران» در نشریه «المنار»، تلاش کرده است به شبهات مرتبط با «أخت هارون» بودن و «بنت عمران» بودن مریم در قرآن کریم پاسخ دهد. مریم که از طرف مادری از نوادگان هارون به حساب می‌آید، قبل از تولد، پدرش یواخیم را از دست می‌دهد و مادرش طبق نذر خویش، وی را نزد احبار یهود می‌برد. ایشان نیز برای سرپرستی مریم قرعه می‌اندازند و زکریا شوهر خاله‌اش که از نوادگان

لاوی و نسل هارون است برای کفالت وی انتخاب می‌شود. مادر مریم در سنین شیرخوارگی او وفات می‌یابد و نتیجتاً طبق رسومات یهودیان، ارتباط مریم با نسب خانوادگی قبلی قطع شده و از طریق خاندان زکریا به نسب جدید هارونی ملحق می‌شود (الصعیدی، ۱۳۱۳ق).

پژوهشگر مقاله «از میریام تا مریم: یک نسب مسیحایی در قرآن» معتقد است آیات ۳۳ تا ۳۶ سوره آل عمران، درباره عمو عمو و موسی و هارون و یوکابد همسر وی نازل شده است. یوکابد از خداوند درخواست تولد پسری آزادزاده در دوران اسارت بنی اسرائیل می‌نماید و خداوند در پاسخش، «میریام» را در آن زمان به وی عطا می‌کند و استجابت کامل دعایش را به زمانی تولد سلاله دیگرش «مریم» حواله می‌کند. در ادامه این روایت، قرآن بلافاصله در آیه ۳۷ سوره آل عمران، از داستان «میریام» به داستان «مریم» تغییر جهت می‌دهد تا نشان دهد که دعای یوکابد در مورد مریم به فعلیت کامل رسیده است. پس از برقراری پیوند خانوادگی میان «میریام» (نماینده خاندان عمو) با «مریم»، بدون هیچ اشکالی می‌توان «مریم» را «دختر عمران» و «خواهر هارون» خطاب کرد (چلیک، ۲۰۲۲م).

از نظر نگارنده مقالات «مریم و عیسی»، متعادل‌کننده پدرسالاری کتاب مقدس و «تصور مریم در حال مجادله با عیسی»، این که مریم در صحنه پایانی داستان در سوره مریم، «خواهر هارون» خطاب می‌شود، انعکاس‌دهنده گونه‌شناسی وی با «میریام»، برای ایجاد ارتباط میان وقایع مربوط به موسی (ع) با وقایع مربوط به مریم و عیسی (ع) است. افزون بر این، ارجاع مریم به هارون، به رتبه الهیاتی مریم به عنوان نمونه استعاری از کلیسا و به طور ضمنی معبد اورشلیم اشاره دارد که انجام آیین قربانی یهود در آن به هارون برمی‌گردد. اگر چه این انتساب نمادین هیچ ربطی به داستان قرآنی ندارد، اما در سراسر آیات قرآن حفظ شده است (نویورت، ۲۰۰۵م؛ ۲۰۰۹م).

پژوهش دیگر: «پاسخی به شبهه اطلاق عنوان اخت هارون بر مریم در قرآن کریم»، با توجه به فاصله زمانی حدود شش قرن میان مریم و هارون، پاسخ‌های مفسران به شبهه مذکور را قانع‌کننده نیافته و نهایتاً با بازبینی پاسخ پیامبر (ص) به مغیره بن شعبه، چنین نتیجه‌گیری می‌کند که «اخت هارون» در میان یهودیان، نامی استعاری با ساختاری شبیه به کنیه برای مریم است (شکری و همکاران، ۱۳۹۵ش).

در مقاله «مریم مقدس خواهر هارون نیست!»، محقق با نفی ادعای مستشرقان مبنی بر «خلط میان میریام و مریم در قرآن کریم»، بر این باور است که صاحب قرآن از تفاوت این دو مریم کاملاً آگاه بوده و بر این اساس عبارت قرآنی «خواهر هارون» نه تنها شبهه‌ناک نیست بلکه اگر درست درک شود؛ پرده از حقایقی؛ همچون علت نامگذاری مریم (س) به این نام و مرتبه والای میریام در نزد یهودیان برمی‌دارد. در مورد «عمران» و «عمام» نیز خلط مورد ادعا در ذهن منتقدینی بوده که بدون دلیل، «عمران» را معرب «عمام» پنداشته‌اند. در حالی که از نظر وی، عمران

نامی عربی با معنایی نزدیک به معنای «یواکیم» ثبت شده در اناجیل غیررسمی و به معنای «خدا ساخته» است (تویسرکانی، ۱۳۸۶ش).

«تحلیل انتقادی دیدگاه خاورشناسان درباره تعبیر قرآنی اخت هارون و بنت عمران»، مقاله دیگری در همین باب است که با توجه به شیوه تفسیری «پیش نمون شناختی» در فرهنگ دینی کلیسایی و نیز استفاده از نظریات مفسران مسلمان درباره تعبیر قرآنی «بنت عمران» و «اخت هارون» درباره مریم(س)، به بازخوانی و حل مشکلات فهم این عبارات قرآنی پرداخته و نظریات خاورشناسان را در این باب به چالش کشیده است. پژوهشگر معتقد است چون مریم متعلق به طبقه کاهنان و از تبار هارون برادر موسی بوده، بنی اسرائیل او را «خواهر هارون» نامیده اند (سادات شبانی و پارسا، ۱۴۰۲ش).

در پژوهشی دیگر: «دختری در محراب»، شخصیت مریم(س) در سنت مسیحی و اسلامی به صورت تطبیقی مورد مطالعه قرار گرفته است. پژوهشگر در پاسخ به شبهه مسیحیان درباره «أُخْتِ هَارُونَ» بودن مریم می نویسد: اناجیل اربعه هیچ نامی از والدین مریم نبرده اند و مفسران مسیحی اناجیل نیز روایاتی را که پدر مریم را یواکیم معرفی کرده اند روایات ضعیف می دانند. مریم از طرف پدری به سبط یهودا و از طرف مادری و موقعیت اجتماعیش به سبط لاوی منسوب بوده و از همین رو با تعبیر «أُخْتِ هَارُونَ» مورد خطاب قرار گرفته است (عیوضی، ۱۳۹۲ش). نویسنده کتاب «الانجیل بروایه القرآن»، وجوه اشتراک قرآن و اناجیل درباره عیسی(ع) و مریم(س) را مورد بررسی قرار داده است. وی معتقد است روایت قرآنی قصد داشته مریم را به خانواده ای برگزیده و پیامبرپرور، یعنی خاندان عمران، منسوب کند. خطاب قرآنی «ای خواهر هارون» به مادر عیسی، به معنای بیان رابطه خونی مستقیم نیست، بلکه تأکیدی بر وابستگی مریم به خاندان کهانت و نبوت عمرام است (السواح، ۲۰۱۱م).

پس از بررسی اجمالی پیشینه تحقیق، شایان ذکر است که نوآوری پژوهش، بیشتر در ارتباط با موضوع، روش یا نتایج پژوهش مطرح است. در مورد موضوع پژوهش همانطور که در پیشینه اشاره شد تاکنون تحقیق مشابهی در ابعاد مورد نظر انجام نگرفته است. در رابطه با روش نیز تلاش پژوهنده بر این بوده است تا با بهره گیری از رویکردی تحلیلی تطبیقی، سیر تحولات نظرات مفسران مطرح در موضوع پژوهش را در بستر تاریخی بررسی کند و با کشف علل و عوامل موثر در اختلاف نظرات، گامی در جهت توسعه فهم و رفع ابهامات موجود در این باب بردارد. در مورد نتایج این پژوهش نیز سعی پژوهشگر بر این بوده که نتایج پژوهش مستند به تحلیل نفس نظرات مفسران بوده و از ارائه نتایج انتزاعی یا غیر مستند تاحد ممکن اجتناب شود.

۱. تبارشناسی مریم (س) در قرآن کریم

قرآن کریم در آیات خویش، از برخی خاندان‌های برگزیده الهی؛ همچون آل ابراهیم، آل لوط، آل یعقوب، آل داود، آل موسی، آل هارون و آل عمران یاد نموده است. آیه ۳۳ سوره آل عمران جزو همین آیات است:

۱. «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ»؛ و خداوند، آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را بر جهانیان برتری داد (آل عمران: ۳۳).

تحلیل آیه: این آیه بخودی خود آیه‌ای ابهام‌آمیز است؛ چون در ابتدای آیه به برگزیدگی دو تن از انبیای اولوالعزم به تنهایی و در ادامه، به برگزیدگی خاندانی در مورد ابراهیم (ع) و عمرانی که از نظر مفسران معلوم نیست که پدر موسی بوده یا جد عیسی، اشاره شده است. همچنین بر خلاف توقع، آل محمد (ص) از آیه مذکور مستقوت گردیده است (قمی، ۱۳۶۳ ش، ج ۱، ص ۱۰۰).

قرآن همچنین در آیه ۲۸ سوره مریم، مریم را از زبان قوم، «خواهر هارون» خطاب نموده است:

۲. «يَا أُخْتَ هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكَ امْرَأَ سَوْءٍ وَ مَا كَانَتْ أُمُّكَ بَعْثًا»؛ ای خواهر هارون! نه پدر تو مرد بدی بود و نه مادرت زنی بدکاره (مریم: ۲۸).

تحلیل آیه: این آیه هم دست کمی از آیه قبلی ندارد و علاوه بر ابهامات موجود در زمینه چگونگی خواهر هارون بودن مریم، نوع خطاب آیه نیز ابهام‌آمیز است؛ زیرا از نظر مخاطب نوعی مناسب‌تر بنظر می‌رسید که گفته شود: «ای دختر عمران و حنه! نه پدرت مرد بدکرداری بود و نه مادرت زنی آلوده‌دامن».

۳. «إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ أَأَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِي وَ أُمَّيَ إِلَهَيْنِ مِنْ دُونِ اللَّهِ»؛ و یاد کن زمانی را که خداوند (در قیامت) گوید: ای عیسی پسر مریم! آیا تو به مردم گفتی که من و مادرم را دو خدای دیگر سوای خدای عالم اختیار کنید؟ (مائده: ۱۱۶).

تحلیل آیه: لقب «عیسی بن مریم»، ۲۳ بار عیناً و ۲ مرتبه نیز با وصف تنهای «ابن مریم» در قرآن کریم آمده است؛ در آیه ۱۱۶ سوره مائده، این ترکیب، عامدانه و برای مجادله با غلو اهل کتاب درباره خداانگاری مسیح و مریم بکار رفته است.

۴. «وَ مَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَ صَدَقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَ كُتِبَ وَ كَانَتْ مِنَ الْقَانِتِينَ»؛ و همچنین خداوند مریم دختر عمران را مثل آورد؛ هم او که رَحِمَش را پاکیزه داشت و ما از روح قدسی خویش در آن بدمیدیم و او کلمات پروردگار خویش و کتب آسمانی او را (با کمال ایمان) تصدیق نمود و از بندگان مطیع خداوند به شمار می‌رفت (تحریم: ۱۲).

تحلیل آیه: عبارت «مریم بنت عمران» نیز همچون عبارت «آل عمران» تنها یک بار در قرآن استعمال شده است و اصطلاحاً «هپکس لگومنون»^۱ نامیده می‌شود.

۱-۱. علت پرداختن قرآن کریم به بحث تبارشناسی مریم (س)

برخی از مفسران و صاحب‌نظران قرآنی معتقدند که قرآن کریم به عمد از ورود به مسایل حاشیه‌ای همچون مباحث تاریخی و یا مساله تبارشناسی شخصیت‌های کلیدیش (مگر در موارد نادر و به مقتضای تشخیص ضرورت) امتناع ورزیده است. به عنوان مثال سیدنی گریفیث بر این باور است که استخراج داده‌ها و اطلاعات متقن تاریخی از کتاب‌های آسمانی همچون قرآن کریم مناسب به نظر نمی‌رسد و ابهامات فراوانی را در پی خواهد داشت (نویورث، ۲۰۰۹م، ص ۳۵۱).

البته این اظهارنظر گریفیث، فارغ از درستی یا نادرستی آن، تنها به قرآن کریم محدود نمی‌شود و بر اهل علم و تحقیق پوشیده نیست که حتی اناجیل رسمی هم در بیان نسب‌نامه شخصیت محوری خود، یعنی حضرت عیسی (ع)، با تناقضات آشکاری روبرو هستند و تلاش‌های مفسران اناجیل برای رفع این تناقض‌ها به نتایج محکم و غیرقابل مناقشه‌ای منجر نشده است.

محمد احمد خلف‌الله با تقسیم کلی مقوله «قصه و داستان» به سه دسته تاریخی، تمثیلی و اسطوره‌ای؛ معتقد است مواد ادبی در قصه تاریخی، حوادث واقعی است که قرآن به آنها پرداخته و به گونه‌ای این حوادث را تنظیم نموده که موجب تحقق اغراضش باشد. مواد ادبی در قصه تمثیلی، غیرتاریخی و غیرواقعی است و در عرف بشری قصه‌ای فرضی یا خیالی محسوب می‌شود؛ اما مواد ادبی در قصه اسطوره‌ای به طور کامل قصه است. خلف‌الله همچنین در زمینه نحوه تعامل با اشارات تاریخی قرآن با گریفیث هم‌نظر است. او معتقد است قرآن کریم در بیان داستانهای خویش تعمداً عناصر تاریخی را مبهم گذاشته و در بسیاری از موارد، ویژگیها و اوصاف شخصیت‌های داستانش را به روشنی بیان ننموده تا عقول مخاطبانش را از همان ابتدا متوجه اهداف اصلی این داستانها نماید (خلف‌الله، ۱۹۹۹م، ص ۵۹ و صص ۱۵۲-۱۵۳).

از نظر محمد عبده نیز قرآن کریم کتاب وقایع‌نگاری تاریخی نبوده و رویکرد اصلیش در ذکر داستانهای خویش، بر عبرت‌آموزی و هدایت مخاطبانش تمرکز دارد (رشیدرضا، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۳۹۹).

^۱ hapax legomenon

علامه طباطبایی اما معتقد است این که قرآن مواد تاریخی و برخی جزئیات داستانش را نقل نمی‌کند، به این دلیل است که قرآن اساساً کتاب دعوت و هدایت است و در راستای این اهداف، قدمی راه خویش را به سایر مسایل کج نمی‌کند؛ زیرا هدفش تعلیم تاریخ و مسلکش رمان‌نویسی نیست. قرآن هیچ کاری به این که فلانی پسر کیست؟ نسبش چیست و حوادث تاریخی مربوط به وی در چه زمان و مکانی رخ می‌دهد ندارد و اساساً تعرض به این گونه مسائل را در اهداف خویش دخیل نمی‌داند (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۷، صص ۱۶۷-۱۶۸).

با این مقدمات این سوال به ذهن مخاطب قرآنی متبادر می‌شود که پس چرا قرآن کریم در مورد مریم (س) از اصل کلی خویش مبنی بر عدم ورود به مسایل حاشیه‌ای عدول نموده و تا اندازه‌ای مقرر به به مساله تبارشناسی مریم (س) پرداخته است؟ پاسخ‌هایی که می‌توان به این سوال داد از این قرار است:

۱-۱-۱. دلایل سیاسی

آنجلیکا نویورت بر این باور است که قرآن کریم در راستای تحقق اهداف مذهبی-سیاسی خویش، در صدد بوده برای قهرمانان توحیدی خویش از بدو خلقت تا زمان محمد(ص)، شجره‌نامه پیوسته و واحدی تحت «نهاد نبوت» سامان دهد. هدف قرآن از این مساله، جا انداختن نهاد نبوت در میان مخاطبان عصر نزول و پشتوانه سازی از آن برای پذیرش نبوت پیامبر و توسعه دایره آن از این طریق بوده است. از دید نویورت ارتباط شجره‌نامه‌ای پیامبران، خارج از دامنه پیامبرشناسی در مکه بوده و در آیات بعدی مدنی تکامل یافته است. اصطلاح «آل عمران» جزو همین قبیل اضافات مدنی با هدف ساختن نسبی نو و هم‌تراز با نسب اصیل پیامبران اسرائیلی برای خاندان مسیح و ایجاد توازن میان پیروان مسیحی و یهودی پیامبر(ص) از این مجرا بوده است (نویورت، ۲۰۰۹م، صص ۳۵۸-۳۵۹).

این اظهار نظر نویورت هر چند از جهت دقت وی به «جهان پشت متن» با ارزش است اما قابل اثبات نمی‌باشد؛ چرا که وی تعلیم قرآن را همچون تعلیم بشری فرض نموده که برای گرمی بازار مخاطبانش به هر حربه‌ای متوسل می‌شود.

ریچارد بل نیز معتقد است اگر قائل به اشتباه گرفتن مریم با میریام در ذکر نسب وی در آیه ۳۳ آل عمران نباشیم آنگاه تنها توجیه باقیمانده برای این مساله، چگونگی نگرش سیاسی پیامبر(ص) خواهد بود و در آن صورت، این آیه رنگ و بوی سیاسی عجیبی می‌گیرد و نشان می‌دهد که محمد با یهودیان قطع رابطه کرده و دیگر موسی را به عنوان یکی از پیامبران بزرگ به رسمیت نمی‌شناسد (بل، ۱۹۲۵م، ص ۱۳۲).

نظر بل نیز همچون نظر نویورت از قوت زیادی برخوردار نیست؛ زیرا پیامبر (ص) هرگز خیانت‌های یهود را به نفی جایگاه والای پیامبر بزرگ ایشان (موسی علیه السلام) تسری نداده‌اند و از دیگر سو این قبیل نظرات با پیش فرض نادرست «غیر قدسی بودن» قرآن کریم ارائه می‌شوند.

۱-۲. رویکرد اصلاحی قرآن کریم نسبت به مباحث نسب‌شناسی در اناجیل

روایت قرآن کریم بر خلاف سکوت اناجیل چهارگانه درباره نسب مریم (س)، ایشان را از تبار رفیع انبیا و فرزند خلف خاندانی ممتاز و برگزیده قرار می‌دهد:

«إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ. ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (آل عمران: ۳۳-۳۴).

قرآن همچنین عیسی (ع) را از طریق تبار مادری (و با تعبیر عیسی بن مریم) به همین نسب پاک و بی نقص متصل می‌کند تا از طرفی به مشکلات موجود در نسب‌نامه‌های اناجیل پایان دهد و از دیگر سو با نفی اندیشه الوهیت عیسی و مریم، تثلیث و یا سایر تعبیرات غلوآمیز مشابه، عیسی (ع)، را متعلق به ذریه پاک پیامبران اسرائیلی و واجد مقام «نبوت» (به جای الوهیت) معرفی کند.

همچنین روایت قرآنی، نسب حضرت عیسی در اناجیل را نادیده گرفته و آن را با نسب «عیسی بن مریم بنت عمران» جایگزین می‌کند که پنج دلیل در تعلیل این مطلب قابل ارائه است:

۱. نسب‌شناسی متی و لوقا بر یوسف نجار تمرکز دارد، نه بر مریم: از میان اناجیل چهارگانه؛ تنها دو انجیل متی و لوقا به ذکر شجره‌نامه عیسی (ع) پرداخته‌اند. هر دو شجره‌نامه‌های ارائه‌شده نسب عیسی را از طرف پدری (یوسف نجار) دنبال نموده‌اند و اختلافات فاحشی در ذکر اجداد وی با یکدیگر دارند. برخی مفسران برای توجیه این تناقضات ادعا نموده‌اند که نسب‌نامه لوقا (بر خلاف نسب‌نامه متی) نسب عیسی را از طرف مادری دنبال نموده و بر همین اساس «هالی» نام پدر مریم می‌باشد که بدلیل نداشتن فرزند ذکور، دامادش یوسف را مطابق «قوانین ارث‌بری یهود» به نسب خویش منضم نموده است. اما با این حال این موارد، ادعایی بیش نبوده و می‌دانیم در اناجیل غیر رسمی و سنت‌های شفاهی مسیحیان، نام پدر مریم بجای «هالی»، «یوآخیم» عنوان شده است. روایت قرآنی اما بطرز حکیمانه‌ای، نام «یوسف نجار» را بکلی از روایت زندگی و تبار مسیح (ع) حذف نموده و از همین راه به همه تناقضات موجود در روایات اناجیل پایان داده است.

۲. حضرت عیسی (ع) طبق روایت قرآن و اناجیل بدون پدر بشری متولد شده است: در روایت قرآن کریم، مریم (س) بدون داشتن همسر و از طریق «نفخه روح الهی» باردار شده است:

«وَمَرْيَمَ ابْنَتْ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَّقْتَ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتِبَ عَلَيْهَا مِنْ الْقَانِئِينَ؛ و نیز مریم دخت عمران را مثل آورد که رَحِمَش را پاکیزه داشت و ما در آن از روح قدسی خویش بدمیدیم، و او کلمات پروردگار خود و کتب آسمانی او را تصدیق نمود و از بندگان مطیع خداوند به شمار می‌رفت (تحریم: ۱۲).

در اناجیل نیز بارداری مریم به روح القدس نسبت داده است:

«ولادت عیسی مسیح چنین بود: مریم، مادر او، که نامزد یوسف بود، پیش از آنکه با هم زندگی کنند، از روح القدس باردار شد. یوسف که مردی نیکوکار بود و نمی‌خواست او را رسوا کند، تصمیم گرفت مخفیانه از او جدا شود. اما هنگامی که این را در دل می‌پروراند، فرشته خداوند در خواب بر او ظاهر شد و گفت: ای یوسف، پسر داوود! از گرفتن مریم به همسری نترس، زیرا آنچه در او باردار شده از روح القدس است» (انجیل متی ۱: ۱۸-۲۰).

بنابراین مطابق هر دو روایت قرآن و اناجیل، حضرت مریم از روح الهی باردار شده و بر همین اساس فرزندش، پدری زمینی نداشته و طبعاً نیازی نیز به ذکر سلسله نسبی از جانب پدری نخواهد داشت. قرآن کریم از همین روی، هوشیارانه و بسیار بجا به لحاظ روحی عیسی را «کلمه الهی» دانسته و به لحاظ جسمانی نیز (بر خلاف تعبیری همچون عیسی پسر یوسف (متی ۱۳: ۵۵ و لوقا ۴: ۲۳) که تولد اعجازگونه وی را کم‌رنگ می‌سازند) تنها و تنها او را «عیسی پسر مریم» معرفی می‌کند.

۳. دفاع قرآن کریم از عصمت مریم (س) در برابر تهمت‌های یهود: برخی دیگر از صاحب‌نظران معتقدند این که روایت قرآن کریم (مطابق آیات ۳۳ و ۳۴ سوره آل عمران) مریم را از تبار ممتاز و برگزیده «آل عمران» قرار می‌دهد، به دلیل دشمنی یهود با مریم و مسیح بوده است که در قرآن از آن با «بهتان عظیم» یاد شده است:

«وَبِكَفْرِهِمْ وَقَوْلِهِمْ عَلَى مَرْيَمَ بُهْتَانًا عَظِيمًا؛ و هم به واسطه کفرشان و بهتان بزرگشان بر مریم (نساء: ۱۵۶).

زیرا برخی یهودیان عیسی را فرزند نامشروع مریم از سرباز رومی توصیف کرده‌اند که تلمود بابلی او را «پانتیرا» نامیده است (Sanhedrin 67a). روایت قرآنی اما در صدد است که از نیک‌نامی مریم در برابر تلاش‌های یهود برای بدنام نمودن وی و فروکاستن از قدر و منزلت فرزندش از این مجرا دفاع کند (السواح، ۲۰۱۱م، ص ۶۳).

۴. پایان دادن به تعبیر غلوآمیز: بر خلاف بخش قبلی که حاکی از تفریط برخی یهودیان در نسب عیسی بود، در جهت افراطی نیز نویسندگان اناجیل و پیروان بعدی‌شان، القابی همچون عیسی «پسر خدا» (متی ۱۷: ۳ و ۳: ۴ و

۹:۵ و ۴۵:۲۲ و یوحنا ۳:۱۶) و مریم «مادر خداوند» را که یادآور عقیده انحرافی تثلیث، تجسد عیسی و خداگونگی او و مادرش می‌باشد، به ایشان نسبت داده‌اند. اما همانگونه که عنوان شد نسب قرآنی «عیسی بن مریم بنت عمران»، بدرستی با تصریح به تولد اعجازگونه عیسی (ع)، تمامی انحرافات موجود در این باب را نفی می‌کند.

۵. نقض مسائل اخلاقی و شریعتی در نسب‌نامه انجیل متی: در سنت یهودی، آوردن نام زنان در نسب‌نامه‌ها غیرمعمول است. با این حال در نسب عیسی (ع) که در انجیل متی (متی ۱: ۱-۱۷) آمده است، نام چهار زن ذکر شده است که برخی از آنها در کتاب مقدس به داشتن گذشته‌ای تاریک شهرت دارند:

الف. تamar عروس یهودا پسر یعقوب بود که وقتی شوهرش مرد، پدر شوهرش (یهودا) شوهر دیگری به او نداد. او نیز برای حفظ نسل شوهرش، خود را به‌عنوان زن زناکار معرفی کرد و از خود یهودا باردار شد (سفر پیدایش ۳۸: ۱۳-۱۶).

ب. راحاب، یک زن غیر یهودی و فاحشه در اریحا بود که به جاسوسان بنی‌اسرائیل پناه داد و در نتیجه، هنگام فتح اریحا، خودش و خانواده‌اش نجات یافتند. او بعدها با یک اسرائیلی ازدواج کرد و در نسب عیسی قرار گرفت (یوشع ۱: ۲).

ج. راعوث، راعوث زنی موآبی بود که هرچند صاحب‌نظران، خود وی را زناکار نمی‌دانند، اما بهر حال متعلق به نژادی بدنام و مشهور به فساد اخلاقی در میان اسرائیل بود (راعوث ۹-۳: ۶).

د. بتشبع، زن اوریی حَتّی بود که طبق نقل کتاب مقدس، داوود پیامبر (ع) با او همبستر شد و سپس شوهرش اوریا را کشت تا او را برای خود بگیرد (دوم سموئیل ۱۱-۱۲: ۵). از سلیمان و بتشبع، نسل یوسف نجار ادامه یافت. پرسش جدی که در اینجا مطرح می‌شود این است که چگونه ممکن است نویسنده انجیل متی، که در مسائل عهد عتیق دانش فراوان داشته، از فرمان تورات در این باب غافل شده باشد که: «فرزند زناکار تا ده پشت نباید داخل جماعت یهوه شود» (تثنیه ۲۳: ۲).

همچنین مشکل دیگری که در نسب‌نامه‌ی متی (متی ۱۱: ۱-۱۲)، وجود دارد قرار گرفتن نام یکنیا (پسر یا نوّه یهوایکیم) در نسل عیسی است، چرا که طبق ارمیا (۳۶: ۲۹-۳۰)، خداوند حکم کرده که هیچ نسلی از اعقاب یهوایکیم در آینده پادشاهی نکند و این با وعده جبرئیل به مریم (لوقا ۱: ۳۲-۳۳) مبنی بر: برتخت داود نشستن مسیح و سلطنت دائمیش بر خاندان یعقوب در تضاد است.

نتیجه کلی این بخش این که همانطور که گفته شد قرآن کریم بدرستی و حکیمانه برای پایان دادن به همه ابهامات فوق‌الذکر، در بیان نسب مسیح(ع) راه اناجیل را دنبال ننموده و بدرستی رویکرد اصلاحی خویش را در این باب اتخاذ نموده است.

۲. تحلیل نظرات مفسران درباره تبارشناسی مریم(س) در قرآن کریم

مفسران در قرون متفاوت، نظرات مختلفی را راجع به تبار مریم(س) در قرآن کریم ارائه کرده‌اند که نقد و بررسی این نظرات و ریشه‌یابی خاستگاه آنها در جهت شفافیت ابعاد موضوع موردپژوهش و رفع ابهامات موجود در آن مفید و راهگشا است:

۱-۲. قرن دوم

مقاتل بن سلیمان، مراد از «آل عمران» در آیه ۳۳ همین سوره را موسی و هارون و مراد از «عمران» در «امراء عمران» را عمران بن ماثان (پدر مریم) می‌داند. «بنو ماثان» نیز از ملوک بنی اسرائیل و اعقاب داود نبی بوده‌اند. مقاتل نسب‌نامه زیر را برای مریم(س) ارائه می‌دهد:

«مریم بنت عمران بن ماثان بن عازور بن صاروی ابن الردی بن آسال بن عازور بن النعمان بن ایبون بن روبائیل بن سلیتا بن اوباخش و هو ابن لبانیة بن بوشنا بن ایمن بن سلتا بن حزقیل بن یونس بن متی بن ایحان ابن بانومر بن عوریا بن معققا بن امصیا بن نواسر بن حزالی بن یهورم بن یوسقط ابن اسا بن راخیم بن سلیمان بن داود بن اتسی بن عوید بن عمی ناذب بن رام ابن حضرون بن قارص بن یهوذا بن یعقوب بن اسحاق بن ابراهیم». مقاتل در جای دیگری از تفسیرش، «یوسف نجار» را عموزاده و نامزد مریم معرفی می‌کند و ادعا می‌کند که یهودیان بهتان زنا با مریم را به وی نسبت داده‌اند:

«و ذلک أن اليهود قذفوا مریم علیها السلام بیوسف بن ماثان بالزنا وکان ابن عمها و کان قد خطبها و مریم ابنة عمران بن ماثان».

این مفسر مراد از هارون در آیه ۱۹:۲۸ را بر اساس حدیث نبوی، هارون برادر موسی و علت این انتساب را وابستگی نسلی مریم به هارون عنوان می‌کند (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق، ج ۱، صص ۲۷۱ و ۴۲۰؛ ج ۲، ص ۶۲۶؛ ج ۴، ص ۳۸۰).

نقد و بررسی: مقاتل منبع موثقی برای نسب‌نامه عنوان شده خویش ارائه نمی‌دهد. برخی اسامی یاد شده در این نسب‌نامه برای افرادی؛ همچون رحبعام، یسی، فارص و یهودا از صورت واقعی‌شان تغییر شکل یافته‌اند و

ممکن است حاصل معرب‌سازی بوده باشند. هر چند اتصال نسبی مریم و یوسف به داود از طریق سلیمان، یادآور نسب‌نامه انجیل لوقا است اما در عین حال بخش‌های پیشین نسب‌نامه مقاتل با اناجیل همخوانی ندارد. ادعای عموزادگی مریم و یوسف و بهتان زنای مریم با نامزد و عموزاده‌اش از سوی یهودیان، ادعایی صرفاً بوده و از شواهد کافی در اناجیل یا تواریخ معتبر برخوردار نمی‌باشد. در نسب‌نامه ارائه شده از سوی مقاتل، نامی از هارون یا لاوی دیده نمی‌شود؛ بنابراین ادعای مفسر مبنی بر وابستگی نسلی مریم به هارون (ع) لااقل با این نسب‌نامه همخوانی ندارد.

۲-۲. قرن چهارم

طبری در کتاب تفسیرش به نقل از ابن اسحاق، نسب‌نامه متفاوتی با نسب‌نامه مقاتل را برای عمران ارائه می‌دهد: «عمران بن یاشهم بن آمون بن منشا بن حزقیا بن احریق بن یویم بن عزاریا بن امصیا بن یاوش بن احریهو بن یازم بن یهفاشاط بن اشابرابان بن رجبم بن سلیمان بن داود بن ایشا و منظور از همسر وی، حنّه دختر فاقوذ بن قتیل است».

طبری در مورد اُخت هارون بودن مریم نیز، با نقل احادیث نبوی و دیگر اقوال صحابه و تابعین (که شالوده چهار احتمال مشهور مفسران بعدی در این باب را تشکیل می‌دهد)، نظر خویش را انتساب کنایی مریم به فردی همانم از قوم خویش عنوان نموده است:

« قال أبو جعفر: و الصواب من القول فی ذلک ما جاء به الخبر عن رسول الله (ص) ذکرناه، و أنها نسبت إلی رجل من قومها » (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۱۵۷؛ ج ۱۶، ص ۵۸-۵۹).

نقد و بررسی: طبری همین نسب‌نامه را با اندک تغییراتی در کتاب تاریخ خویش نیز آورده است. در هر دو نسب‌نامه، نامی از ماثان پدر عمران دیده نمی‌شود؛ در حالی که در بخشی دیگری از کتاب تاریخ وی به نام وی اشاره شده است:

«و کان زکریا بن برخیا ابو یحیی و عمران بن ماثان ابو مریم متزوجین بأختین...».

طبری در همان کتاب، نسب‌نامه دیگری را نیز برای یوسف ارائه داده است که بیشتر شبیه نسب‌نامه عیسی در انجیل متی است. در این نسب‌نامه صراحتاً نام ماثان به عنوان جد یوسف قید شده است:

«و کانت مسماه بیوسف بن یعقوب بن ماثان بن الیعازار بن البوذ بن احین بن صادق بن عازور بن الیاقیم بن ابیوذ بن زربابل بن شلتیل بن یوحنیا بن یوشیا بن امون بن منشا بن حزقیا بن احاز بن یوثام بن عوزیا بن یورام بن یهوشافاظ بن اسا بن ابیا بن رجبعم بن سلیمان بن داود، ابن عم مریم» (طبری، ۱۲۹۱ق، ج ۱، صص ۵۸۵-۵۸۶). سلیمان علی مراد به درستی متوجه اختلافات موجود میان نسب‌نامه‌های یادشده (نسب‌نامه‌های ابن اسحاق، مقاتل و طبری) شده است و تصریح نموده که در تفاسیر و منابع اسلامی قرون وسطایی شاهد نوعی سردرگمی و تناقض در ارائه نسب‌نامه‌های مربوط به عمران، یوسف و مریم هستیم (مراد، ۲۰۰۸م، صص ۱۴۴-۱۴۶). طبری در اظهار نظر خویش در مورد اُخت هارون بودن مریم که ظاهراً مستفاد از حدیث پیامبر (ص) به مغیره بن شعبه است، توضیح نداده که این شخص همانم با هارون مشخصاً چه کسی بوده و چه ارتباطی با مریم داشته است.

۲-۳. قرن پنجم

شیخ طوسی (بی‌تا)، منظور از آل عمران را طبق نظر حسن بصری، مسیح (ع) و طبق نظر خویش، موسی و هارون (ع) معرفی می‌کند. شیخ درباره «اُخت هارون بودن مریم» نیز چهار احتمال مشهور را به صورت زیر طبقه‌بندی نموده است:

۱. انتساب نسلی مریم به هارون (نظر سدی).
۲. انتساب به برادری تنی و همانم با هارون (نظر ضحاک).
۳. انتساب کنایی به مرد صالحی از بنی اسرائیل (نظر قتاده براساس روایت کعب، ابن زید و مغیره از پیامبر).
۴. انتساب کنایی به مردی ظاهرالفسق از بنی اسرائیل (نظر گروهی ناشناس) (طوسی، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۴۱؛ ج ۷، ص ۱۲۲).

نقد و بررسی: طوسی برخلاف رویه خویش در موضوعات فقهی، به تحلیل نظرات ارائه شده در مورد آیات مبادرت نورزیده است. ابهامات فراوانی در مورد احتمالات چهارگانه عنوان شده وجود دارد؛ از جمله این که در هیچ یک از اناجیل یا سنت‌های شفاهی مسیحیان، برادری به نام هارون برای مریم منظور داشته نشده است؛ بلکه در مقابل وجود چنین برادری قبل از ولادت مریم به دلیل نازایی مادرش حنه و پس از آن نیز به دلیل مرگ پدرش قبل از تولد و مرگ مادرش در زمان شیرخوارگی (مطابق روایات وارده) معقول به نظر نمی‌رسد (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۱۵۸). البته برخی مفسران نیز برای گریز از این مساله، احتمال وجود برادر ناتنی همانم با هارون برای

مریم را مطرح نموده‌اند که آن نیز به اندازه احتمال قبلی، سست و ناصواب است. همچنین انتساب کنایی فرد برجسته‌ای همچون مریم به «فرد صالح یا فاسق مجهول‌الهویه‌ای» بر فرض امکان وقوع با در نظر گرفتن شیوه‌های بلاغی قرآنی در بیان موارد مشابه، در حکم نوعی تیر در تاریکی انداختن است و مسبوق به سابقه نمی‌باشد. اما انتساب نسلی مریم به هارون (به ویژه از طرف مادری)، از قرائن قابل قبولی در اناجیل برخوردار بوده و تنها اشکال آن در بکارگیری واژه «أخت» به جای واژه‌های «بنت» یا «حفیده» است.

ثعلبی سه احتمال درباره مصادیق عمران در ترکیب «آل عمران» مطرح نموده است:

۱. عمران بن یصهر که خاندانش موسی و هارون است (قول مقاتل).
 ۲. عمران بن اشم که خاندانش مریم و عیسی است (قول حسن بصری و وهب بن منبه).
 ۳. عمران بن ماتان که همسرش حنه است (قول گروهی ناشناس) (ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۳، صص ۵۲-۵۳).
- نقد و بررسی: قول اول با لحاظ نمودن سیاق آیه و سایر ادله مطرح شده از سوی مفسران متأخر از احتمال کمتری برخوردار است. قول دوم با توجه به شخصیت رجالی «وهب بن منبه» و عادت نقل اسرئیلات وی و همچنین اختلاف آن با قول سوم (که در تواریخ، روایات و تفاسیر شایع‌تر است) ضعیف بنظر می‌رسد. اما قول سوم همانطور که گذشت در بسیاری از منابع اسلامی؛ از جمله تفسیر قمی (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۴۸)، قابل ردیابی است. همچنین محتمل است ماتان یا ماثان شکل تغییر یافته نام «مثنان» (پدر بزرگ یوسف) در نسب‌نامه انجیل متی بوده باشد که با فرض عموزادگی مریم و یوسف، توسط مفسران مطرح شده است.

۲-۴. قرن ششم

زمخشری با بررسی دو احتمال موجود در مورد عمران (عمران بن یصهر و عمران بن ماثان) نسب هر دو عمران را از طریق اسحاق، منتهی به ابراهیم(ع) می‌داند. وی همچنین «آل عمران» را متعین در موسی و هارون می‌داند (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۴۵).

نقد و بررسی: زمخشری دلیل موجهی بر ادعای خویش در تعیین آل عمران در خاندان پدری موسی و هارون ارائه ننموده است.

۲-۵. قرن هفتم

بیضاوی در مورد آیه «إِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرَانَ...»، اظهار می‌دارد که چون عمران بن یصهر پدر موسی، دختری به نام مریم داشته که از موسی و هارون بزرگ‌تر بوده؛ گروهی گمان کرده‌اند که منظور از زن عمران در آیه، مادر موسی

و هارون و همین مریم بوده است. در حالی که این نظر با کفالت زکریا در آیات بعدی ناسازگار است؛ زیرا زکریا معاصر عمران بن ماثان بوده و با دختر وی ازدواج کرده است.

بیضاوی نسب‌نامه زیر را برای مریم ذکر می‌کند:

«مریم بنت عمران بن ماثان بن العازار بن اُبی یوذا بن یوزن بن زربابل بن سالیان بن یوحنا بن اوشیا بن اُمون بن منشکن بن حازقا بن اُحاز بن یوثام بن عوزیا بن یورام بن ساقط بن ایشا بن راجعیم بن سلیمان بن داود بن ایشی بن عوبد بن سلمون بن یاعز بن نحشون بن عمیاد بن رام بن حصروم بن فارص بن یهوذا بن یعقوب».

از نظر بیضاوی تعبیر «اُخت هارون» به دلیل ارتباط نسلی مریم با هارون و یا از باب کنایه عنوان شده است (بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۱۳؛ ج ۴، ص ۹).

نقد و بررسی: نسب‌نامه عنوان‌شده بیضاوی برای مریم باز هم اختلافاتی با نسب‌نامه‌های قبلی دارد و به دلیل عدم ذکر نام هارون در آن، با ادعای بعدی وی مبنی بر ارتباط نسلی مریم با هارون سازگاری ندارد. همچنین معلوم می‌شود بیضاوی به همنامی مریم با میریام و مناقشات موجود در این باب توجه داشته و از قرائن موجود برای رد آن استفاده کرده است.

فخررازی احتمال پدر مریم بودن عمران را در ترکیب «آل عمران» با ذکر سه دلیل قوی‌تر می‌داند:

۱. تعقیب آیه مذکور با آیاتی درباره داستان مریم و عیسی.

۲. پاسخ خداوند به شبهه مسیحیان درباره الوهیت عیسی از طریق ربط معجزات وی به مساله اصطفا‌ی خاندان

عمران.

۳. مشابهت اصطفا‌ی آل عمران بر جهانیان با آیت بودن مریم و عیسی برای جهانیان در آیه ۹۱ سوره انبیا.

رازی در مورد این که منظور از هارون در تعبیر «اُخت هارون» چه کسی است، چهار نظر را دسته‌بندی می‌کند:

۱. هارون مردی صالح از بنی‌اسرائیل بود و هر کس که به پارسایی و نیکوکاری معروف بود، به او نسبت داده می‌شد. بنابراین، مقصود این است که تو همانند هارون در پارسایی و زهد بودی، پس چگونه به این وضع دچار شدی؟

۲. هارون برادر حضرت موسی (ع) بود و نسب بنی‌اسرائیل به او بازمی‌گردد. حدیثی از پیامبر (ص) در این باب

نقل شده است که در آن فرموده: آن‌ها منظورشان هارون پیامبر بود؛ زیرا مریم از نسل او بود.

۳. هارون فردی بدکار و فاسق بود و در این صورت، نسبت دادن مریم به او از باب تشبیه است؛ نه اینکه واقعاً

برادرش بوده باشد.

۴. هارون برادر واقعی مریم و از صالحان بنی اسرائیل بود و بنی اسرائیل از این جهت که مریم از چنین خانواده‌ای بود و چنین اتفاقی برایش افتاده بود، او را سرزنش کردند. این نظر به دو دلیل قوی‌تر است: اول اینکه، اصل در سخن این است که بر معنای حقیقی خود حمل شود و اگر مریم واقعاً برادری به نام هارون داشته باشد، ظاهر آیه بر معنای حقیقی خود باقی می‌ماند. و دوم، علاوه بر نسبت دادن مریم به هارون، والدین او نیز به صلاح و پاکی توصیف شده‌اند، و در چنین شرایطی، سرزنش شدیدتر خواهد بود، زیرا کسی که پدر و مادر و برادر صالحی دارد، اگر مرتکب گناهی شود، کار او زشت‌تر و ناپسندتر خواهد بود (فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۸، ص ۲۰۱؛ ج ۲۱، ص ۵۳۰). نقد و بررسی: از نظر نگارنده، فخررازی با بهره‌گیری از رویکرد ادبی و قرائن درون‌متنی و همچنین توجه به اصل کلیدی «دشواری انصراف از ظواهر مگر با یافتن قرائن بسیار قوی»، احتمال صائب‌تر و مستدل‌تر در هر دو باب برگزیده است؛ البته نگارنده در مورد اظهار نظر ایشان درباره «أخت هارون» بودن مریم ملاحظه تکمیلی دارد که به عنوان نظر مرجع خویش در نتیجه‌گیری کلی مطرح خواهد نمود. استفاده از قرائن در تفسیر آیات مورد بحث از قرن هفتم به بعد رواج بیشتری می‌یابد.

۲-۶. قرن هشتم

ابن کثیر در تفسیرش از قول ابن ابی‌حاتم، نظر محمد بن کعب قرظی را در این باره نقل نموده و ضمن خطای آشکار دانستن آن تصریح کرده است که این نظر از همه نظرات ارائه شده در این باب عجیب‌تر است. قرظی درباره سخن خداوند یعنی «یا أخت هارون»، معتقد است که مریم مادر عیسی (ع)، همان «میریام» خواهر هارون و خواهر موسی بوده است.

ابن کثیر در رد این نظر اظهار داشته:

«خداوند متعال در کتاب خویش تصریح نموده است که پس از پیامبران گذشته، عیسی را فرستاد، که نشان می‌دهد عیسی آخرین پیامبر قبل از پیامبر اسلام (ص) بود و پس از او هیچ پیامبری جز محمد (ص) نیامده است». اما از نظر وی آنچه که قرظی را به این اشتباه فاحش انداخته است، چیزی است که در تورات پس از عبور موسی و بنی اسرائیل از دریا و غرق شدن فرعون و سپاهش آمده است:

«و مریم (میریام) دختر عמרآم، خواهر موسی و هارون، همراه زنان دیگر دف می‌نواخت و خدا را ستایش می‌کرد و شکرگزاری می‌نمود».

قرطی گمان کرد که این مریم همان مادر عیسی است، درحالی‌که این مساله اشتباهی فاحش و ناشی از تشابه اسمی بوده است (ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۵، ص ۲۰۱).

۲-۷. قرن دهم

ابوالسعود احتمال پدر مریم بودن عمران را به دو دلیل زیر با ظاهر کلام موافق‌تر می‌داند: اول تعقیب آیه با قصه مریم و عیسی؛ و دوم حاصل شدن اصطفای موسی و هارون در قالب اصطفای «آل ابراهیم» و عدم نیاز به تکرار آن (ابوالسعود، ۱۹۸۳م، ج ۲، ص ۲۶).

نقد و بررسی: دلیل دوم ابوالسعود قابل مناقشه است؛ زیرا ممکن است در مورد احتمال خود وی نیز مطرح گردد.

۲-۸. قرن چهاردهم

از نظر رشیدرضا، اکثریت مفسران معتقدند که منظور از عمران اول، پدر موسی و منظور از عمران دوم (در آیات ۳۳ و ۳۵ آل عمران) پدر مریم است. هر چند این مساله در نزد یهودیان مشهور است؛ اما مسیحیان اعتقادی به «عمران» نام داشتن پدر مریم ندارند؛ لکن اعتقاد ایشان آسیبی به اصل قضیه نمی‌زند؛ زیرا لازم نیست که هر حقیقتی در جهان جزو معروفات اعتقادات ایشان بوده باشد. از نظر رشیدرضا اختلاف بین اناجیل لوقا و متی در ذکر نسب مسیح (ع) نشانگر آن است که مسیحیان سند متقنی بر نسب ایشان ندارند (رشیدرضا، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۲۸۹).

نقد و بررسی: ادعای کثرت قائلان به تفصیل میان دو عمران ذکر شده در آیات مورد بحث ادعایی بیش نبوده و ممکن است مربوط به مفسران قرون اولیه بوده باشد و دلیل متقنی نیز از جانب مفسر برای دفاع از آن اقامه نشده است. ادعای دیگر مفسر نیز که یهودیان به عمران بودن پدر عیسی معترفند بر همین قسم است. اما نقدهای مفسر به تناقضات موجود درباره نسب‌نامه‌های موجود در اناجیل نقدهایی بجا و قابل قبول می‌باشد.

۲-۹. قرن پانزدهم

علامه طباطبائی مراد از «عمران» در ترکیب «آل عمران» را به دو دلیل پدر مریم می‌داند: اول، تعقیب این آیه با ذکر داستان مادر مریم و دوم ذکر نام «عمران» در آیات قرآنی تنها به عنوان پدر مریم و نه پدر موسی. علامه مراد از خاندان عمران را نیز مریم و عیسی به تنهایی یا به اتفاق حنّه می‌داند. همچنین از سوی علامه نیز نظری مشابه با نظر رشید رضا مطرح شده است:

اما در مورد آنچه گفته می‌شود که مسیحیان قبول ندارند که نام پدر مریم، عمران بوده باشد، باید گفت قرآن تابع خواسته‌ها و هوس‌های آنها نیست.

علامه در بحث اُخت هارون بودن مریم نیز چهار احتمال مذکور در مجمع البیان را بدون ذکر نظر مرجع خویش تکرار می‌کند (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۳، صص ۱۶۵-۱۶۸؛ ج ۱۴، ص ۴۵).

نقد و بررسی: به نظر می‌رسد رویکرد علامه در بهره‌گیری از عهدین به عنوان پشتوانه برخی تفسیرهای ارائه شده در المیزان رویکردی دوگانه است؛ مثلاً علی‌رغم این که تصریح می‌کند که مباحثی همچون بحث درباره این که عهدین و اوستا چه نظری در مورد قضاوت‌های قرآنی دارند از وظیفه مفسر خارج است و هرگز روا نیست این گونه مسایل به بحث تفسیر آمیخته یا جانشین آن شوند؛ در بحث تاریخ بودن (و آزر نبودن پدر ابراهیم) در روایات تفسیری، تایید و موافقت تورات با این روایات را یکی از مویذات خویش در قبول مطلب عنوان می‌کند (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۷، صص ۱۶۵-۱۶۷).

از نظر جوادی آملی اگر مراد از «عمران» پدر موسای کلیم (ع) باشد، «آل عمران» شامل حضرت موسی (ع)، هارون و دیگر پیامبران این سلسله است ولی چنانچه مراد پدر حضرت مریم (س) باشد، آنگاه مریم، مادرش و حضرت عیسی (ع) و سلسله بعد از آنان مصادیق «آل عمران» خواهند بود. البته به قرینه آیات بعدی، احتمال دوم مناسب‌تر است؛ زیرا در مجموعه آیات مربوطه سوره آل عمران، داستان پیدایش و پرورش حضرت مریم (س)، ولادت حضرت مسیح (ع) و مناظره پیامبر (ص) با نصاری مطرح شده است (جوادی آملی، ۱۳۸۳ش، ج ۱۴ ص ۶۵).

جوادی آملی همچنین با نظر همنامی برادر مریم (س) با هارون پیامبر (ع) مطابق روایات موافق است: وقتی آنها آمدند گفتند: «يَا أُخْتُ هَارُونَ»، این «يَا أُخْتُ هَارُونَ» را نصاری نجران بر برخی از مسلمانها انتقاد کردند که بین هارون و بین مریم قرن‌ها فاصله بود هارون برادر موسی (ع) است و مریم مادر عیسی است فاصله اینها چندین قرن است چگونه مریم خواهر هارون می‌شود؟ این اعتراض را آنها نتوانستند جواب بدهند آمدند حضور پیغمبر (ص). حضرت فرمود تسمیه افراد به اسمای انبیا جایز است. برادر مریم (س) نامش هارون بود نام‌گذاری افراد نیز به اسمای انبیا جایز است. این فقط درباره «اسماء الله» گفته می‌شود که توقیفی‌اند و گرنه اگر کسی اسم خودش را اسم پیغمبر انتخاب بکند که بد نیست. بنابراین ایشان فرمود مریم برادری داشت به نام هارون و خودش اُخت هارون بود (جوادی آملی، ۱۴۰۲ش).

نقد و بررسی: قبلاً اشاره شد که نظریه همنامی فرد نامشخصی با مریم متشخص مخالف شیوه بلاغی قرآن و همچنین رویکرد ادبی در تفسیر آیه است.

۲-۱۰. تحلیل کلی نظرات مفسران:

با بررسی تطبیقی و تحلیلی نظرات مفسران درباره تبارشناسی مریم(س) در قرآن کریم، می‌توان به این نتیجه رسید که: اختلافات تفسیری موجود در مورد آیات مورد بحث، ریشه در تفاوت رویکرد مفسران و منابع مورد استناد ایشان دارد. در قرون اولیه اسلامی، مفسرانی همچون مقاتل و طبری با تکیه بر روایات و اسرائیلیات، نسب‌نامه‌های مفصلی برای مریم ارائه نموده‌اند که این نسب‌نامه‌ها به تناسب، هم با یکدیگر، هم با منابع تاریخی و هم با اناجیل موجود همخوانی ندارند. همچنین نسب‌نامه‌های مذکور اغلب با تغییراتی در شکل اسامی و کیفیت اتصالات نسبی همراه بوده و در برخی موارد نیز با احتمال خود مفسر، مبنی بر «انتساب نسلی مریم به هارون» سازگاری ندارد. در کل اتخاذ چنین رویکردهایی نشانگر تأثیرپذیری مفسران اولیه از منابع غیراسلامی و تلاش برای پر کردن خلأهای تاریخی با بهره‌گیری از روایات ضعیف و یا نامعتبر است.

در قرون میانی، مفسرانی همچون شیخ طوسی، زمخشری و فخر رازی با طرح احتمالات مختلف، سعی فراوانی در ارائه تفسیری منسجم‌تر از آیات مرتبط با نسب مریم داشتند. اغلب این مفسران با توجه به سیاق آیات و قرائن درون‌متنی، احتمال پدر مریم بودن عمران را قوی‌تر دانسته و بر وحدت سیاق آیات تأکید کرده‌اند. هر چند در مورد انتساب مریم به هارون، همان چهار احتمال مشهور را تکرار نموده‌اند. با این وجود نظرات فخر رازی مخصوصاً درباره اخت هارون بودن مریم، نظرات منطقی‌تر و قابل قبول‌تری به نظر می‌رسد. همچنین این دوره نشان‌دهنده حرکت تدریجی مفسران از اتکای صرف به روایات به سمت بهره‌گیری از تحلیل‌های ادبی و سیاقی است.

در دوره‌های متأخر، مفسرانی مانند علامه طباطبایی، رشید رضا و جوادی آملی با نگاهی انتقادی به روایات و اسرائیلیات، سعی در ارائه تفسیری مستدل‌تر و هماهنگ‌تر با سیاق قرآن داشته‌اند. این مفسران با تأکید بر وحدت سیاق آیات و قرائن درون‌متنی، احتمال پدر مریم بودن عمران را تقویت کرده‌اند و انتساب مریم به هارون را بیشتر به عنوان یک انتساب کنایی یا همنامی تفسیر نموده‌اند. همچنین، نقدهای این مفسران به تناقضات موجود در نسب‌نامه‌های اناجیل و عدم اعتماد به منابع غیراسلامی، نشان‌دهنده رویکرد علمی‌تر و انتقادی‌تر ایشان در تفسیر قرآن است.

بنابراین در یک کلام، می‌توان گفت که با گذشت زمان، رویکرد مفسران از اتکای صرف به روایات و اسرائیلیات به سمت استفاده از تحلیل‌های ادبی، سیاقی و انتقادی حرکت نموده است، هرچند اختلافات تفسیری در برخی از جزئیات همچنان در جای خویش باقی می‌باشد.

نتایج تحقیق

هدف این پژوهش، بررسی دلایل ورود قرآن کریم به تبارشناسی حضرت مریم (س) و تحلیل دیدگاه‌های مفسران صاحب‌نظر درباره عناوین «آل عمران» و «أخت هارون» بود. نتایج پژوهش از این قرار است:

۱- صاحب‌نظران در مورد علل ورود قرآن کریم به مساله تبارشناسی حضرت مریم (س)، دلایل سیاسی و یا رویکرد اصلاحی قرآن نسبت به اناجیل با توجه به «میهمن» بودن قرآن بر آموزه‌های کتب آسمانی پیشین را مطرح نموده‌اند که دلیل دوم مستدل‌تر و صحیح‌تر است. روایت قرآنی در مورد تبار مریم (س) بر آن است که ریشه خانوادگی مریم را که در روایت اناجیل نامشخص و مبهم مانده، روشن کند و وی را به یکی از خاندان‌های برگزیده و پیامبرپرور که نقش هدایت بشر را بر عهده داشته‌اند، منسوب نماید تا از این مجرا هم به شبهات و اتهامات مطرح شده از جانب برخی یهودیان مغرض در رابطه با طهارت مریم و هم به و تناقضات موجود در نسب‌نامه‌های اناجیل پایان دهد.

۲- قرآن کریم در بیان داستان‌های خویش تعمداً عناصر تاریخی را مبهم گذاشته و در بسیاری از موارد، ویژگی‌ها و اوصاف شخصیت‌های داستان‌هایش را به روشنی بیان ننموده تا عقول مخاطبان را از همان آغاز متوجه اهداف اصلی این داستان‌ها کند. مفسران با علم به این مبنای عامدانه قرآن در ابهام‌گویی‌شان چنین اندیشیده‌اند که فهم تاریخی داستان‌های قرآن تنها زمانی ممکن است که این ابهامات و پیچیدگی‌ها از چهره داستان‌ها زدوده شود؛ از این رو به سراغ آگاهی‌هایی تاریخی، اسرائیلیات و حتی فرضیات انتزاعی خویش رفته‌اند تا شاید موارد مذکور را رفع ابهام نمایند؛ اما در عمل این اعتماد مفسران نه تنها در این عرصه کارساز نبوده؛ بلکه بعکس آنها را به بیراهه کشانده است و مانع از این شده که به نتایج درست و متقنی دست یابند. در صورتی که اگر ایشان از مبنای یادشده رویگردان می‌شدند و تلاش می‌کردند که داستان‌های قرآن را بر اساس اهداف قرآن و رویکرد ادبی فهم نمایند به نتایج بهتری دست می‌یافتند (خلف الله، ۱۴۰۲ش، ص ۸۳). منظور از رویکرد ادبی در اینجا، به معنای حذف مجموعه‌ی پیوندها و لینک‌های چسبیده به یک متن و یک مفهوم در فرآیند فهم آن است. بنابراین در رویکرد ادبی برای فهم دقیق، صادقانه و امانت‌دارانه‌ی یک متن باید خود متن را بخوانیم و نه پیوندهای چسبیده به آن را (سلیمانی، ۱۳۸۶، صص ۴۴-۴۶).

۳- بر همین اساس در مورد تعبیر «یا أُخْتُ هَارُونَ» در آیه ۲۸ سوره مریم، ارتباط نسلی موافق سیاق آیه است که در آن ذم و تحذیر مریم (س) توسط قوم با توجه به جایگاه خانوادگی و پدر و مادر تنی او مطرح شده است و از نظر نگارنده منطقی‌تر به نظر می‌رسد که موافق نظر جناب فخر رازی در تفسیر آیه «مَا كَانَ أَبُوكَ امْرَأَ سَوْءٍ وَ مَا كَانَ

أُمُّكَ نَعِيًّا» (مریم: ۲۸)، با هر سه کلمه «أب» و «أُمّ» و «أخت» معامله یکسانی صورت پذیرد و انصراف از ظاهر و قرائن سیاقی و درون متنی مستلزم وجود قرینه خارجی بسیار قوی است که به این راحتی‌ها حاصل نمی‌شود. بنابراین منظور از «أخت» در این آیه، یعنی خواهر بودن برای برادری صالح و واقعی؛ و نه برادر شائی و کنایی! با این تفاوت که چون در روایت داستان قرآنی حضرت مریم(س) در سور مختلف، ذکری از نام هیچ «هارونی» نرفته است بنابراین خواسته یا ناخواسته در کشف مراد قرآن کریم از بکارگیری نام «هارون» در خطاب قرآنی «ای خواهر هارون» ابهاماتی وجود خواهد داشت. اما با این وجود چون در ادامه سوره مریم و آیه ۵۳: «وَوَهَبْنَا لَهُ مِنْ رَحْمَتِنَا أَخَاهُ هَارُونَ نَبِيًّا»، ذکر گذرایی از هارون نبی(ع) رفته است و این تنها هارونی است که در سرتاسر آیات قرآن کریم به وی اشاره شده است. بنابراین با رویکرد ادبی، استناد به همین هارون در فهم خطاب مذکور، اولی‌تر است و نتیجتاً مریم از سوی قوم خویش، خواهر هارون نبی خطاب شده است. البته بدیهی است که بر خلاف نظر امثال قرطبی (مبنی بر ارتباط نسلی مستقیم مریم با هارون)، با توجه به فاصله زمانی چشمگیر موجود میان آن دو، منطقی‌تر بنظر می‌رسد که این ارتباط بصورت سلالتی و با واسطه در نظر گرفته شود. هرچند به دلیل استفاده قرآن از واژه «أخت» بجای «بنت» یا «حَفِیدَه»، این احتمال، احتمالی قطعی و خدشه ناپذیر نخواهد بود بلکه با لحاظ نمودن میزانی از تسامح و توجیه (مثلاً «یا أخت بنی هارون») در برابر سایر احتمالات موجود قابل دفاع می‌باشد.

۴- قرآن کریم به صراحت تمام و خالی از هر گونه شبهه و کنایه‌ای، مریم را دختر بلاواسطه فردی به نام عمران معرفی نموده است. هر چند که هویت تاریخی این عمران برای مخاطبان قرآن کریم به طور کامل مشخص نیست؛ زیرا نام وی در قرآن کریم تنها به عنوان بزرگ خاندان مریم و عیسی(ع) برده شده و به تحلیل شخصیت مستقل و ذکر شرح حالش پرداخته نشده است. همچنین از آنجا که در سراسر قرآن، نامی از عمران (پدر حضرت موسی و هارون) برده نشده بنابراین با رویکرد ادبی و با لحاظ نمودن قرائن سیاقی و درون متنی، مراد از «آل عمران» تنها خاندان پدری حضرت مریم(س) خواهد بود و سایر نظرات ارائه شده در این باب؛ همچون ارتباط گونه‌شناسی مریم(س) با خاندان عمران قابل اثبات نمی‌باشد.

کتاب‌نامه

قرآن کریم.

کتاب مقدس.

- ابن کثیر، اسماعیل (۱۴۱۹ق)، *تفسیر القرآن العظیم*، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابوالسعود، محمد (۱۹۸۳م)، *ارشاد العقل السلیم الی مزایا القرآن الکریم*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- بیضاوی، عبدالله (۱۴۱۸ق)، *انوار التنزیل و اسرار التاویل*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ثعلبی، احمد (۱۴۲۲ق)، *الکشف و البیان*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۳ش)، *تسنیم*، قم: مرکز نشر اسراء.
- خلف الله، محمد احمد (۱۴۰۲ش)، *هنر داستانی در قرآن کریم*، مترجم: محسن آرمن، تهران: نشر نی.
- خلف الله، محمد احمد (۱۹۹۹م)، *الفن القصصی فی القرآن الکریم*، لندن: سینا للنشر.
- راد، علی (۱۳۹۷ش)، «تحلیل انتقادی شبهات تبار ابراهیم (ع)»، *فصلنامه مشکاة*، دوره ۳۷، شماره ۴، صص ۲۶-۲۸.
- رضا، محمد رشید (۱۴۱۴ق)، *تفسیر القرآن الحکیم*، بیروت: دار المعرفه.
- رینولدز، گابریل سعید (۲۰۱۰)، *قرآن و زیرمتن کتاب مقدسی آن*، نیویورک: روتلج.
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق)، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، بیروت: دار الکتب العربی.
- ساماران، شارل (۱۳۷۰ش)، *روش تحقیق در علوم تاریخی*، گروه مترجمان، مشهد: معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی.
- السواح، فراس (۲۰۱۱م)، *الانجیل بروایة القرآن*، دمشق: دار علاءالدین للنشر.
- شبانی، اعظم سادات؛ پارسا، فروغ (۱۴۰۲ش)، «تحلیل انتقادی دیدگاه خاورشناسان درباره تعبیر قرآنی اخت هارون و بنت عمران»، *مجله مطالعات قرآن و فرهنگ اسلامی*، دوره ۷، شماره ۱، صص ۷۵ تا ۹۷.
- شکری، محمد و همکاران (۱۳۹۵ش)، «پاسخی به شبهه اطلاق عنوان اخت هارون بر مریم در قرآن کریم»، *مجله پژوهشهای قرآنی*، دوره ۲۱، شماره ۷۹، صص ۹۶-۱۰۹.
- الصعیدی، عبدالمتعال (۱۳۱۳ش)، «مریم أم عیسی علیه السلام؛ أختوها لهارون بنوتها لعمران»، *نشریه المنار*، شماره ۵۱۷، صص ۷۶۰-۷۶۷.
- طباطبائی، محمدحسین (۱۴۰۲ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق)، *جامع البیان عن تأویل آی القرآن*، بیروت: دار المعرفه.
- طبری، محمد بن جریر (۱۲۹۱ق)، *تاریخ طبری*، لکهنو: مطبع منشی نولکشور.
- طوسی (بی تا)، محمد بن حسن، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- عیوضی، حیدر (۱۳۹۲ش)، «دختری در محراب: مطالعه تطبیقی شخصیت مریم (ع) در سنت مسیحی - اسلامی»، *نشریه تفسیر اهل بیت*، دوره ۱، شماره ۲، صص ۹۵-۱۱۰.

- فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)، *التفسیر الکبیر-مفاتیح الغیب*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- قطب، سید (۱۴۲۵ق)، *فی ظلال القرآن*، بیروت: دار الشروق.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳ش)، *تفسیر القمی*، قم: دار الکتاب.
- مراد، سلیمان علی (۲۰۰۸م)، «مریم در قرآن: بازنگری در ارائه او»، *مجموعه مقالات قرآن در بافت تاریخی آن*، ویرایش گابریل سعید رینولدز، لندن: روتلج، صص ۱۶۳-۱۷۴.
- مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳ق)، *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، بیروت: دار احیاء التراث.
- نوویرت، آنجلیکا (۲۰۰۵)، «مریم و عیسی، متوازن سازی پدرسالاران کتاب مقدس: بازخوانی سوره مریم در سوره آل عمران»، *نشریه پارول دولوریان*، جلد ۳۰، صص ۲۳۱-۲۶۰.
- نوویرت، آنجلیکا (۲۰۰۹)، «تصور مریم در مجادله با عیسی: خوانش سوره مریم و متون مکی مرتبط در فرآیند ارتباطی قرآن»، *مطالعات در خاستگاه های اسلامی: قرآن در بافت تاریخی آن*، ویرایش بنیامین جوکیچ، اولریش و همکاران، برلین: د گرویتز، صص ۳۸۳-۴۱۶.
- بل، ریچارد (۱۹۲۵م)، *خاستگاه های اسلام در محیط مسیحی*، لندن: مک میلان.
- وبگاه های اینترنتی:
- تویسرکانی، روزبه (۱۳۸۶ش)، «مریم مقدس خواهر هارون نیست!»، نشر الکترونیکی در سایت اندیشکده یهود، بازیابی شده از: <https://jscenter.ir/judaism-and-islam/israiliyyat/15413> /مریم-مقدس-خواهر-هارون/
- جوادی آملی، عبدالله (۱۴۰۲ش)، «تفسیر آیات ۲۷ تا ۳۵ سوره مریم _ بخش دوم»، بازیابی شده از: <http://sokhanrani.iranseda.ir/detailsalbum/?g=536723>
- چلیک، ارجان (۲۰۲۲م)، «از مریم تا مریم: نسبتی مسیحایی در قرآن»، نشر الکترونیکی آکادمیا، بازیابی شده از: https://www.academia.edu/21983615/Miriam_to_Mary_A_Messianic_Lineage_in_the_Quran

Bibliography:

The Holy Qur'ān.

The Holy Bible.

Abū al-Su'ūd, Muḥammad (1983), *Irshād al-'aql al-salīm ilā mazāyā al-Qur'ān al-karīm*, Beirut: Dār Ihya' al-Turāth al-'Arabī. (In Arabic).

Ṣa'īdī, 'Abd al-Mutā'al (1313 SH), "Maryam, Mother of Jesus (AS): Her Sisterhood to Hārūn and Daughters to 'Imrān," *al-Manār Journal*, no. 517, pp. 760-767. (In Arabic).

Sawwāh, Farās (2011), *The Gospel According to the Qur'ān*, Damascus: Dār 'Alā' al-Dīn li-l-Nashr. (In Arabic).

Baydāwī, 'Abdallāh (1418 H), *Anwār al-tanzīl wa asrār al-ta'wīl*, Beirut: Dār Ihya' al-Turāth al-'Arabī. (In Arabic).



- Çelik, Arjan (2022), "From Miriam to Mary: A Messianic Lineage in the Qur'ān," *Academia.edu*, retrieved from: https://www.academia.edu/21983615/Miriam_to_Mary_A_Messianic_Lineage_in_the_Quran
- Fakhr al-Rāzī, Muḥammad Ibn 'Umar (1420 H), *al-Tafsīr al-kabīr – Maḥāṭib al-ghayb*, Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī. (In Arabic).
- Ibn Kathīr, Ismā'īl (1419 H), *Tafsīr al-Qur'ān al-aẓīm*, Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmiyya. (In Arabic).
- 'Iyūḍī, Ḥaydar (1392 SH), "A Girl in the Prayer Niche: A Comparative Study of Mary's (AS) Character in Christian-Islamic Tradition," *Ahl al-Bayt Exegesis Journal*, vol. 1, no. 2, pp. 95-110. (In Persian).
- Jawādī Āmulī, 'Abdallāh (1383 SH), *Tasnīm*, Qom: Isrā'. (In Persian).
- Jawādī Āmulī, 'Abdallāh (1402 SH), "Exegesis of Verses 27–35 of Sūrat Maryam – Part Two," retrieved from: <http://sokhanrani.iranseda.ir/detailsalbum/?g=536723>. (In Persian).
- Khalaf Allāh, Muḥammad Aḥmad (1402 SH), *The Art of Narrative in the Noble Qur'ān*, (trans. Muḥsin Ārmin), Tehran: Nashr-i Nī. (In Persian).
- Khalaf Allāh, Muḥammad Aḥmad (1999), *al-Fann al-qaṣaṣī fī al-Qur'ān al-karīm*, London: Sīnā li-l-Nashr. (In Arabic).
- Muqāṭil Ibn Sulaymān (1423 H), *Tafsīr Muqāṭil Ibn. Sulaymān*, Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth. (In Arabic).
- Murād, Sulaymān 'Alī (2008), "Mary in the Qur'an: A Re-examination of Her Presentation," in *The Qur'an in Its Historical Context*, ed. Gabriel Said Reynolds, London: Routledge, pp. 163-174. (In Persian).
- Neuwirth, Angelika (2005), "Mary and Jesus: Counterbalancing the Biblical Patriarchs - A Re-reading of Sūrat Maryam ni Sūrat Āl 'Imrān," *Parole de l'Orient*, vol. 30, pp. 231-260.
- Neuwirth, Angelika (2009), "Mary's Image in the Dispute with Jesus: Reading Sūrat Maryam and Related Meccan Texts in the Qur'an's Communicative Process," in *The Qur'an in Context*, ed. by Behnam Sadeghi et al., Berlin: De Gruyter, pp. 383-416.
- Qummī, 'Alī Ibn Ibrāhīm (1363 SH), *Tafsīr al-Qummī*, Qom: Dār al-Kitāb. (In Persian).
- Qutb, Sayyid (1425 H), *Fī ṣilāl al-Qur'ān*, Beirut: Dār al-Shurūq. (In Arabic).
- Rād, 'Alī (1397 SH), "A Critical Analysis of Doubts Concerning the Lineage of Abraham (AS)," *Mishkāt Quarterly*, vol. 37, no. 4, pp. 26-28. (In Persian).
- Reynolds, Gabriel Said (2010), *The Qur'ān and Its Biblical Subtext*, New York: Routledge.
- Ridā, Muḥammad Rashīd (1414 H), *Tafsīr al-Qur'ān al-ḥakīm*, Beirut: Dār al-Ma'rifa. (In Arabic).
- Samaran, Charles (1370 SH), *Research Methodology in Historical Sciences*, trans. Group of Translators, Mashhad: Mu'assasat Āstān-i Quds-i Raḍawī. (In Persian).
- Shabānī, A'zam Sādāt; Pārsā, Furūgh (1402 SH), "A Critical Analysis of Orientalist Views on the Qur'anic Expressions 'Sister of Hārūn' and 'Daughter of 'Imrān'," *Journal of Qur'anic and Islamic Cultural Studies*, vol. 7, no. 1, pp. 75-97. (In Persian).
- Shukrī, Muḥammad et al. (1395 SH), "A Response to the Doubt About Applying the Title 'Sister of Hārūn' to Mary in the Noble Qur'an," *Qur'anic Research Journal*, vol. 21, no. 79, pp. 96-109. (In Persian).
- Tha'labī, Aḥmad (1422 H), *al-Kashf wa al-bayān*, Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī. (In Arabic).

Tüysirkānī, Rūzbeh (1386 SH), "The Holy Mary is Not the Sister of Hārūn!," *Electronic Publication on the Jewish Think Tank Website*, retrieved from: <https://jscenter.ir/judaism-and-islam/israiliyyat/15413/>. (In Persian).

Zamakhsharī, Maḥmūd (1407 H), *al-Kashshāf 'an ḥaqā'iq ghawāmiḍ al-tanzīl*, Beirut: Dār al-Kitāb al-'Arabī. (In Arabic).

